

جهان انجامید. علی‌رغم اینکه هنوز هم منشأ اصلی بیماری مزبور نامشخص است، به دلیل اطلاعاتی که به‌طور ناقص، در آن دوره (زمان جنگ) از تعداد مبتلایان و میزان کشته‌ها از سوی دولت‌های درگیر جنگ منتشر می‌شد، کشور بی‌طرف در جنگ، یعنی اسپانیا به‌عنوان منشأ اصلی معرفی گردید؛ بنابراین، میزان قدرت نرم دولت‌ها به‌خصوص در زمان کنونی که فضای رسانه‌ای و مجازی به بستر اصلی تبادل داده‌ها و اطلاعات تبدیل شده، در شکل‌دهی به نظریه‌های جدید مؤثر است. با این‌همه، ظهور نظم سیاسی جدیدی که بتواند مسلط شود، نیازمند بسترهای متعدد و گوناگونی است که مباحث نظری و علمی، صرفاً یکی از آن‌ها به شمار می‌رود.

در الهیات سیاسی بحران کرونا، تلقی از نقش طبیعت و جایگاه تکنولوژی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ درباره رویارویی یا همراهی علم و دین چه نظری دارید؟

بیگری: در سال‌های اخیر در محافل دانشگاهی و پژوهشی جهانی، مبحث «بحران‌شناسی» (crisiology) مطرح شده که به‌نوعی به‌شناسایی نشانه‌های بحران در محیط‌های داخلی و بین‌المللی و نیز میزان انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری این محیط‌ها در شرایط بحرانی می‌پردازد. به‌ویژه با این فرض که نظم مسلط جهانی، یک نظم نولیبرال است به راه‌های حل بحران در ساختارهای گوناگون، برخاسته از نظم نولیبرال عطف توجه شده است. در واقع، تلاش می‌شود نوعی عادی‌سازی شرایط بحرانی انجام شود. به نظر می‌رسد نظام لیبرال - سرمایه‌داری به دلیل پیش‌بینی چالش‌های بیشتری که در آینده خود را با آن‌ها مواجه می‌بیند، تلاش می‌کند با استعانت از علوم اجتماعی (به معنای عام)، شمایی روشن‌تر و جای پای قابل‌اعتمادتر در پیش روی خود ترسیم نماید. به‌طور طبیعی هم در حوزه الهیات و هم در حوزه فلسفه علم و تکنولوژی به این مسئله یعنی «بحران» و «بحران‌شناسی» پرداخته می‌شود.

در حوزه الهیات، دوباره مسائل دیرینی چون «شروع»، «قضا و قدر» و... در تراز فلسفی و مسائلی از قبیل «امید و ترس» و نحوه رعایت نکات بهداشتی در ترازهای رفتاری مورد مذاقه و بحث بیشتری قرار خواهد گرفت. همه سیستم‌های الهیاتی چه تثیستی و چه دئیستی درگیر این مباحث هستند.

بیگری: هنوز برای این نتیجه‌گیری زود است. همان‌گونه که در سال‌های اخیر بحث از شکست حکومت و ترک‌خوردگی حاکمیت، به‌ویژه دیدگاه‌های متفکرانی چون «باب جوسپ» مطرح شد، به نظر می‌رسد در آینده، شاهد توجه بیشتر به لایه‌های پیچیده دولت بوده و به رویکردهای میان‌رشته‌ای و پرهیز از نظریه‌های کلان درباره دولت و سایر مسائل سیاسی نیاز داشته باشیم.

بنابراین، بعید است به‌زودی شکل‌گیری یک پارادایم جدید تحقق یابد؛ اما اگر بخواهیم به ادبیات «تامس کوهن» در بحث از پارادایم‌های علمی پایبند بمانیم، نظریات خرد و کوچک در افق‌های جدید، به‌مرور فضا را برای مرحله پیش‌پارادایمی جدید فراهم خواهد کرد. اساساً گذار از «حکومت» به‌عنوان یک رویکرد از بالا به پایین، به «حکمرانی» به‌مثابه رویکردی مشارکتی‌تر و بحث از انواع حکمرانی و میزان موفقیت آن‌ها در مدیریت و کنترل بحران تداوم دارد؛ اما همچنان پارادایم حکومت غلبه دارد. علی‌القاعده، میزان موفقیت، اثربخشی و کارآمدی عملی الگوها، در تداوم رویکردهای حکومت یا حکمرانی در سطح نظری اثرگذار است.

در اینجا این نکته وجود دارد که متأسفانه نمی‌توان به داده‌های دولت‌ها در دوره بحران به‌طور کامل اعتماد کرد؛ در این باره می‌توان به بحران پاندمی «آنفلانزای اسپانیایی» در دوره جنگ جهانی اول ارجاع داد. طبق آمارهای موجود در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ پاندمی بیماری آنفلانزا دست‌کم به ابتلای ۵۰۰ میلیون نفر و مرگ ۵۰ میلیون نفر در سراسر

اساساً گذار از «حکومت» به‌عنوان یک رویکرد از بالا به پایین، به «حکمرانی» به‌مثابه رویکردی مشارکتی‌تر و بحث از انواع حکمرانی و میزان موفقیت آن‌ها در مدیریت و کنترل بحران تداوم دارد؛ اما همچنان پارادایم حکومت غلبه دارد. علی‌القاعده، میزان موفقیت، اثربخشی و کارآمدی عملی الگوها، در تداوم رویکردهای حکومت یا حکمرانی در سطح نظری اثرگذار است.

قلمرو مناقشه برانگیز، بحث کارویژه‌های دولت باشد. همان‌گونه که دولت‌گرایی، به‌خصوص در حوزه اقتصاد سیاسی، یکی از رویکردهای اصلی در نظریه‌های سیاسی به شمار می‌رود، بحث از نسبت دولت با مسئله سلامت جامعه به‌عنوان یک کل و شهروندان به شکل فردی و کارویژه‌های بهداشتی دولت به کانون و هسته نظریات سیاسی وارد خواهد شد.

بنابراین، مفاهیم پیش‌گفته، با عطف نظر به بحران‌هایی نظیر بحران کرونا و در نسبتی که با پدیده دولت دارند، مورد تأمل مجدد قرار خواهند گرفت و پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ از جمله: امنیت شهروندان و جامعه در شرایط این‌چنینی چگونه باید لحاظ شود؟ میزان آزادی شهروندان و قلمرو اقتدار دولت به چه نحو باید باشد؟ در این شرایط، با چه سازوکارهایی می‌توان عدالت را در جامعه برقرار ساخت؟ در عرصه بین‌المللی دولت‌ها چه وظایف و تعهداتی را باید متقبل شوند؟ میزان الزام‌آوری نهادهای بین‌المللی مرتبط تا چه اندازه است؟ و...

مباحث حکمرانی از موضوعات مهم مطرح در این زمینه است که در عرصه نظریه سیاسی هم بدان پرداخته می‌شود. در چند دهه اخیر از دل سنت لیبرال، مسئله «حکمرانی خوب» و در سال‌های گذشته نیز «حکمرانی سبز» مطرح شده است و با همراهی برخی از نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، تلاش می‌گردد تحقق عملی آن با شاخص‌های متعددی سنجیده شود. این قبیل نظریات که در بدو امر بدون توجه به مبادی و مبانی آن، در ایران هم هوادارانی پیدا کرده، در حال حاضر در حال تکامل هستند. علی‌القاعده، نحوه مدیریت در بحران کرونا به مسئله‌ای در این سنت فکری هم بدل خواهد شد. در این قبیل نظریات، بر مؤلفه‌هایی چون شفافیت، مشارکت، اثربخشی و کارآمدی، پاسخگویی و مسئولیت و رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی و...، به‌عنوان اصول بنیادین حکمرانی خوب تأکید می‌شود. طبیعی است که پاندمی بیماری کووید-۱۹ پرسش‌هایی را در همه این مؤلفه‌ها در سطح حکمرانی در پی خواهد داشت.

آیا این تحولات فکری ممکن است به ظهور پارادایم‌های جدید یا حتی نظم سیاسی مسلط بینجامد؟